

خاطرات سال‌های خاکستر

نیمه پنهان

تهمینه میلانی

خلاصه داستان

قاضی خسرو محتشم برای ملاقات و شنیدن حرف‌های یک زن زندانی سیاسی که به رئیس‌جمهور نامه نوشته و تظلم‌خواهی کرده، عازم شیراز می‌شود. محتشم در هتل محل اقامت خود به هنگام بازکردن چمدانش، دفترچه‌ای را میان و سایش پیدا می‌کند که در آن همسرش نامه بلندی خطاب به او نوشته و خیلی صریح و صمیمانه، خاطرات گذشته‌اش را برایش تعریف کرده است. فرشته در این نامه، شرایط بد اقتصادی خانواده‌اش و چگونگی آمدن خود به تهران برای تحصیل در رشته فلسفه و جذب شدنش در گروه‌های چپ سیاسی اوایل انقلاب و علاقمند شدنش به یک منتقد و نویسنده میانسال به نام روزبه جاوید را توضیح می‌دهد. فرشته در ادامه این آشنایی با روزبه، متوجه می‌شود که او متأهل است. همسر روزبه (خانم شفیق) در ملاقاتی با فرشته، به عشق قدیمی روزبه به دختری به نام ماهمیر که شباهت زیادی به فرشته داشته، اشاره می‌کند و از او می‌خواهد که شوهرش را دیگر نبیند. فرشته با سرخورگی از این عشق و نیز با فاصله گرفتن از فعالیت‌های سیاسی، زندگی دوباره‌ای را شروع می‌کند و برای گذران زندگی‌اش، مراقبت از زنی مسن را به‌عهده می‌گیرد. این زن در واقع، همان مادر و همسرش خسرو بوده است. خسرو با شناختی تازه از همسرش، با انگیزه بیشتری به ملاقات زن زندانی می‌رود.

□ □ □

پی‌گیری شروع فعالیت تهمینه میلانی در سینما با سمت دستی صحنه در فیلم خط قرمز (ساخته مسعود کیمیایی) و مداوم آن تا کنون با کارگردانی فیلم‌های بچه‌های طلاق، افسانه آه، کاکادو، دیگه چه خبر، دو زن و نیمه پنهان و همکاری در نگارش و بازنویسی چند فیلمنامه، ما را دچار نوعی سردرگمی می‌کند.

تا قبل از فیلم دو زن، حرکت غافلگیرکننده و جسورانه‌ای در کارنامه میلانی نمی‌بینیم و مشخصه بارز آثار این دوران او،

نوع مضمونی و کار با مایه‌های مختلف ملودرام، فانتزی، طنز و کمدی است. شاید بتوان متفاوت‌ترین فیلم میلانی در طول این مقطع زمانی را افسانه آه دانست که نشان‌دهنده تلاش نه چندان موفق او در بازی با فرم و روایت‌پردازی غیرمستقیم است. با آن‌که شخصیت محوری اغلب این فیلم‌ها، زنان هستند و نوعی فمینیسم کم‌رنگ و پنهان در آنها جاری است، ولی هیچ کدام واجد ارزش‌های عمیق و تأثیرگذار اجتماعی نیستند. شاید بتوان گفت که پراکندگی موضوع و تعدد آدم‌ها و فقدان نشانه‌ها و عناصر جذاب و دراماتیک در این فیلم‌ها و تلاش اصلی میلانی برای تجربه‌اندوزی در قالب‌های مخلف، مانع از ایجاد ارتباط گسترده و هم‌ذات‌پنداری تماشاگر با شخصیت‌ها شده است. علاوه بر این، در همه این فیلم‌ها فکری‌های خامی را می‌بینیم که در مرحله اجرا به پختگی و انسجام لازم نمی‌رسند.

دو زن به لحاظ موضوع نو و متفاوتش، محوریت چشمگیر شخصیت زن در آن، و پرداخت قابل قبول میلانی و چند بازی درخشان و پر حس و حال و ریتم و ضرباهنگ مناسب آن، شروع تازه‌ای در کارنامه تهمینه میلانی است. اشکال عمده دو زن، نگاه افراطی و خط کشیده‌شده سازنده‌اش نسبت به زنان و مردان فیلم است. مثلاً توجه کنیم به شخصیت فرشته (تیکی کریمی) که از جهات گوناگون مورد ستم و ظلم قرار می‌گیرد و چهره‌ای سمباتیک و فنا شده از خود برجا می‌گذارد. در نقطه مقابل با همسر فرشته (آتیلای پسایانی) و آن جوان لات‌منش (محمد رضا فروتن) مواجهیم که مجموعاً چهره‌ای منفی و غیر سمباتیک دارند. سمبتهای آنها و حق‌طلبی‌ها و فریاد اعتراض و دادخواهی میلانی در این فیلم - به‌وسیله شخصیت فرشته - به شکلی است که انگار او فرصتی استثنایی برای تلافی و خالی کردن خود - به نمایندگی از جامعه زنان - به دست آورده و ممکن است که دیگر چنین موقعیتی پا ندهد.

در نیمه پنهان این نگاه یکسویه و افراطی، تا حدی تعدیل



یافته است. با این حال، در میزانشن مورد نظر تهمینه میلانی از یک دوره حساس و پر التهاب تاریخی / اجتماعی / سیاسی، صرفاً چند دختر هوادار چپ را می بینیم که بیشتر بر پایه احساساتشان - و نه تعقل و آگاهی عمیق - به یک ایدئولوژی خاص متمایل شده اند و بدون شناخت کامل از ماهیت و خط مشی سازمانی که در پشت این ایدئولوژی پنهان شده، همواره با یکی از «رفقای» که مراحل مقدماتی حضور و فعالیت تشکیلاتی را طی کرده، به پرسش و پاسخ تردیدآمیز می پردازند. در دو قدمی این تجمع تشکیلاتی / دانشجویی، طیف میانسال تری حضور دارند که - ظاهراً - این هیجانات سیاسی را کهنه کرده اند و بر پایه تجارب تلخ و عبرت آموزشان، ترجیح می دهند که در این دوران جایگزین و انتقالی، ناظر رخدادها باشند و اشتباهات تاریخی را تکرار نکنند. فرشته ناخودآگاه و بدون هیچ پیش درآمد و پیش زمینه منطقی و پذیرفتنی، به یکی از این سرد و گرم چشیده های موسفید کرده (روزبه جاوید) کشش عاطفی پیدا می کند؛ کششی که آمیزه های است از عشق و تکامل ذهنی و ایدئولوژیک در رابطه ای مرید و مرادگونه. همان قدر که اجرای این میزانشن از همجواری یک عقیده تند سیاسی و افراطی (فرضاً در قالب چریک های فدایی خلق) با تفکری کلاسیک و محتاطانه (با نشانه های حزب توده) قالبی و تصنعی است، پیوند و رویارویی فرشته با روزبه جاوید نیز تصادفی و ناپاورانه است؛ یعنی عدم واقع بینی و واقع نگری، هم در تحلیل تاریخی و هم در برخوردهای فردی و عاطفی و زمینه های دراماتیک. اساساً چرا خانم میلانی، گرایش های چپ - فارغ از تمام شاخه های تشکیلاتی و سازمانی تند و افراطی یا معتدل و متهم به اپورتونیست - را در سه چهار دختر - و نه پسر - اورکت پوش دیده است؟ چرا حوزه مانور و تردد این عده در مناطق بالای شهر همچون «محمودیه» و «مدیری» است؟ اگر تشکل سازمانی این سمیات ها دارای اهداف «خلق» بوده است، چرا فعالیت خود را به جای مناطق محرومی چون سه راه آذری و عباسی خاکی و جوادیه و نازی آباد و دولت آباد و بی سیم نجف آباد و... متوجه این مناطق کرده است؟ اگر بخواهیم شخصیت واقعی و مستند «زهرا خانم» را در اوایل انقلاب دنبال کنیم، چرا این شخصیت - به عنوان فرد شاخص جریان فالانژ از دید فیلمساز - تا این حد سطحی و روپنایی به تصویر درآمده، و اصلاً او در این نقاط شمال شهر تهران چه کار



می کند؟ چرا فرشته در گریز از دست زهرا خانم و دار و دسته اش، یکدفعه از دفتر مجله ادبی، فرهنگی روزبه جاوید سر در می آورد و به آنجا پناه می آورد؟ و نکته جالب تر این که، رستگار (همان دشمن خونی فرشته و به عنوان تفکر مهاجم و مخرب و فرصت طلب)، دوست و همکار همسر فرشته (قاضی خسرو محتشم) است. آیا فرشته که همزمان با عزیمت شوهرش به مأموریت شیراز با رستگار در جلوی خانه رویه رو می شود و از دیدنش جا می خورد، قبلاً نمی دانسته که رستگار با شوهرش دوست و همکار است؟ به فرض حکتم ماندن این قضیه، چطور فرشته با آن تمایلات چپ با مردی چون قاضی محتشم وصلت کرده است؟ آیا محتشم از سوابق سیاسی همسرش کاملاً با اطلاع بوده است؟ آیا فرشته را باید یک فرد بریده از آن تفکرات تند سیاسی بدانیم یا هنوز ته مایه های آن عقاید در وجودش باقی است؟ در حالت اخیر، او چگونه با یک قاضی که برای خودش اصول و عقاید متفاوتی دارد، «مخ» شده است؟

متأسفانه فیلم به هیچ کدام از این سئوال ها و نقاط ابهام، پاسخ روشن و درستی نمی دهد. در واقع می توان گفت که خانم میلانی بر پایه نگاه سهل انگارانه خود - در خوش باورانه ترین شکلش - معتقد است که هدف وسیله را توجیه می کند. حال در این طی طریق و در هدف تعالی بخشیدن به جنسیت مورد ظلم واقع شده زن، همه وسیله هستند؛ از مردهای بدبخت بگیرد تا رخدادهای واقعات انکارناپذیر تاریخی، اجتماعی و سیاسی. خانم میلانی در این هدف گران قدر و متعذرانه و در تداوم پی ریزی «فمینیسم افراطی و بی منطق شان»، این حق را به خود می دهند که تاریخ معاصر را از زاویه دید خود معنا کنند. در این مظلومیت و حقانیت تاریخی، مردان هیچ جایی ندارند و قربانی اصلی و واقعی، فقط زنها هستند. مردانی هم که مورد عنایت ملوکانه قرار گرفته اند، یا مثل قاضی محتشم، انعطاف پذیر و تأثیرپذیر از همسر هستند و یا مثل روزبه جاوید، نظر بازی شان بر تعقل و دبر عمیق اجتماعی، سیاسی می جربد. این فرشته است که با اعتماد به نفس قابل تقدیرش می تواند روزبه را ترک کند و او را در حسرت ندانی - و بازسازی تمثیلی - یک عشق قدیمی بگذارد. حتی توجه داشته باشیم که همسر فرشته (قاضی محتشم) نیز فارغ از همه آن روزمرگی ها و روابط مشخص و زناشویی، از طریق ارتباعات فکری و ورود غیرمستقیم به حوزه سیاست و اجتماع و

مرور اجتمالی، عرصه‌های مختلف تاریخی، سیاسی - با مطالعه دخترچه خاطرات همسرش فرشته -، به استحضالاً درونی و مقابله عمیق رسید، یعنی در واقع او باید خودش را برای این تکامل و ارتقاء شخصیتی، مدیون همسرش بداند!

فارغ از این نگاه شخصی و نه چندان واقع‌بینانه به تاریخ معاصر و افراد و طیف‌های برگزیده‌ای که در متن حضور داشته‌اند، مهم‌ترین ویژگی مثبت فیلم نیمه پنهان را باید در نگاه تأویلی که فیلمساز به «عشق» و تأکیدش بر مراحل تکوینی آن در مفاد علم طب تاریخی / اجتماعی / سیاسی جست‌وجو کرد. میلانی با فصل مشترک قائل شدن برای این عشق‌های نافرجام و از دست رفته، می‌خواهد به جوهره سینما نزدیک شود.

سیمه پنهان ذهن خیال‌پرداز خانم میلانی را می‌توان در آن فالپچه کوچکی دید که چهره و نوشته لیلی و مجنون بر رویش نقش بسته و چندان سفر همسر فرشته، آن را می‌پوشاند. در اواسط فیلم متوجه می‌شویم که اهداکننده این فالپچه به فرشته، همسر روزبه جاوید (خانم تنفیح) است. در واقع او با این هدیه که به نوعی زبان حال عشق‌های از دست‌رفته می‌تواند باشد، مجوزی برای روایت‌پردازی تاریخی خود و پرده برداشتن از نیمه پنهان چهره دختر عمویش (ماه‌نیر) پیدا می‌کند؛ همان دختر عیازری که در روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ در میدان بهارستان گم شد و حالا روزبه جاوید، نیمه پنهان این عشق قدیمی را در فرشته می‌بیند.

در این دور و تسلسل تاریخی / سیاسی، نیمه پنهان فرشته را نیز می‌توان در چهره آن زن زندانی سیاسی در آستانه مرگ دید. میلانی این بیوستگی و فصل مشترک را با بیان جمله شروع دخترچه خاطرات فرشته از زبان زندانی، در فصل پایانی نشان می‌دهد:

«از دوران کودکی، خاطره خوبی ندارم. هر چه بود، اندوه بود؛ حسرت...»

□ □ □

مؤخره: با «مرور و جمع‌بندی آثار اولیه خانم میلانی، می‌توان به این واقعیت پی برد که ایشان دغدغه‌های سیاسی جدی ندارند. حقیقت این است که استقبال از فیلم دو زن برای خانم میلانی بستر مناسبی ایجاد کرد تا تمایلات و گرایش‌های فمینیستی‌شان را - جدا از واقعیت‌های عینی جامعه پیچیده و بر تناقض ماکه سازگاری منطقی و مناسب با

شکل‌گیری و اشاعه این جنبش ندارد - بروز دهد. نیمه پنهان به انکسار جنین فضا و جوی ساخته شده و زاویه دید و سمت‌گیری‌های خانم میلانی در این فیلم را بیشتر باید نوعی اعتراض و عقده‌دل‌گشایی احساسی - نه سازمان‌یافته - به شمار آورد.

با این توضیحات و در نگاهی منصفانه باید پذیرفت که بازتاب سیاسی، قضایی ایجاد شده در مورد فیلم نیمه پنهان، ارتباط چندانی به جوهره فیلم ندارد. در واقع، این خود فیلمساز بوده که با مصاحبه‌های پیاپی در نشریات و دیگر وسایل ارتباط جمعی و بیان مطالب تند و شبهه‌آمیز در این فضای پر سوءتفاهم، زمینه‌ساز حساسیت بیش از حد در مورد خود و فیلمش شده است. آیا خانم میلانی قبول ندارند که فیلم‌هایی با مؤلفه‌ها و نشانه‌های نیمه پنهان، به توضیح و تفسیر ممتد سازنده‌اش نیاز ندارند؟ این خود اثر هنری است که به پشتوانه شعور و توانایی و تجربه و تسلط خالقش می‌تواند نیمه پنهان خود را برای مخاطبین اصلی و واقعی‌اش آشکار کند. به جمله‌ای از خود فیلم نیمه پنهان، اشاره و استناد می‌کنم: «شعار هنر نیست، هنر باید ماندگار باشد.» □

شناسنامه فیلم نیمه پنهان

کارگردان	تعمیمه میلانی
فیلمنامه	تعمیمه میلانی (بسر)
	انسانی رمان بعد از عشق
	نوشته فریده ثلیو
دستیار کارگردان	حسن یکتا پنهان
تدوین	بهرام دهقانی
موسیقی	امیر معینی
صداگذار	پرویز انبار
بازیگران	نیکی کریمی، محمد نیک‌بین، اتیلا یسانی، صفی عیسی، اکبر معززی
طراح چهره‌پردازی	مهری سپیرازی
صداگذاری	مسعود پنهان
مدیر تولید	جهانگیر کونری
دستیاران تدوین	کاوه حمیدی ایمانی، رضا شیروانی
تهیه‌کنندگان	تعمیمه میلانی، محمد توکب‌بین
سال تولید	۱۳۷۹-۸۰
مدت فیلم	۱۰۵ دقیقه
پخش	سازمان توسعه سینمای سوره